

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

אברהם אברהם

۲۵ آ ۵۷۸۰

جهت حفظ قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

ראה

گفتاری روشنگر

فقط وابسته به اعمال خودمان می‌باشد و اگر میسواهای توراہ را انجام دهیم ، پس با نیکی بسیار از جانب خد-اوند براخا می‌شویم و اگر فرامین خد-اوند را انجام ندهیم ، پس نفرین و نقص خواهد بود.

از هفته دیگر ، سلیخوت را آغاز نموده و منظور از گفتن سلیخوت اعتراف به اعمال ناشایستی است که انجام دادیم. در این باره در کتاب پلء یوعص آمده متون سلیخوت را باید با تواضع و فروتنی بسیار خواند و نیز سر باید دولا و صدا گریان و به شکلی باشد که قلب اشک بریزد تا دوباره نادانی از شخص سر نزده و این اعمال را انجام ندهد و اگر متن سلیخوت با این شرایط خوانده نشود ، پس بهتر است شخص اصلاً سلیخوت نخواند ، زیرا در نبود این شرایط ، پررویی و جسارت در مقابل خد-اوند است که موردی جز شرمندگی و خجالت ندارد.

اگر اعتراف به گناه با این شرایط برای کسی سخت است ، پیشنهاد می‌شود به ملاقات شخص بیماری برود که لحظات آخر زندگی خویش را طی نموده و قبل از مرگ به گناهان خود اعتراف می‌کند و وقتی ببیند این شخص چگونه گناهان خویش را اعتراف و از خد-اوند تقاضای بخشش می‌نماید ، به راحتی می‌فهمد متن اعتراف به گناهان را باید آرام و با تأمل بگوید ، زیرا با این کلمات باید از خد-اوند دلجویی نماید و از اعمال ناپسند خویش معذرت بخواهد. حال وقتی فرد ببیند چگونه این بیمار بین هر کلمه از اعتراف به گناهان خویش گریه می‌کند ، می‌فهمد به صورت

این پاراشا با این عبارت آغاز می‌شود:

"ببین من امروز براخا و نفرین را جلوی شما می‌گذارم."

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد:

"منظور از براخاها و نفرینهایی است که در کوه گریزیم و عیوال

گفته شد و سپس توراہ درباره آنها توضیح می‌دهد."

در توراہ در دو پاراشای بخوقوتی و کی تاوو ، می‌فرماید افرادی که میسواهای خد-اوند را انجام نمی‌دهند ، شایسته چه نفرینهایی می‌باشند. و همه می‌دانیم بیشتر افراد حاضر در کنیسا نمی‌خواهند در قسمت نفرینهای این دو پاراشا ، برای گفتن براخای توراہ انتخاب شوند. اکثر اوقات نیز شخصی که این دو قسمت را می‌خواند ، جمله‌ها را با صدای آهسته و تند می‌خواند ، زیرا همه می‌خواهند این جملات نفرین هر چه زودتر تمام شوند.

ولی در پاراشای حاضر به صورت واضح توضیح داده شده است:

"اگر به فرامین خد-اوند گوش دهید ، براخا را دریافت می‌کنید."

راشی در توضیح این مورد می‌نویسد:

"که گوش دهید و انجام دهید" به این مفهوم که اگر شخص به فرامین خد-اوند گوش داده و آنها را انجام دهد ، این براخاها به واقعیت تبدیل می‌شوند. و اگر به این فرامین گوش نکند و آنها را انجام ندهد ، پس نفرینها به واقعیت تبدیل می‌شوند. تفسیر هالین عزرا نیز در این مورد می‌نویسد: "وقتی شما فرامین خد-اوند را انجام می‌دهید ، براخا شده خواهید بود."

نتیجه این است که فرقی ندارد شخص در این قسمت از نفرینهای توراہ ، برای گفتن براخای توراہ انتخاب می‌شود یا خیر. بلکه این

۱ اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

”خوب است حداقل یک بار در هفته ، متن طولانی اعتراف به گناهان را بگویند و به جزئیات گناهان خویش اعتراف نمایند و به این صورت از صمیم قلب تصمیم بگیرند که توبه می‌کند و خود گفتن کلمات متن اعتراف به گناهان ارزش بسیاری در نزد خداوند دارد تا فرد را از نقصی که وارد کرده ، طهارت بخشد و این از مواردی است که از آن می‌فهمیم تا چه حد خداوند قوم خویش را دوست دارد و می‌خواهد آنها را مژگی نماید و فقط با همین اعتراف به گناهان یکی از میصوهای توره را انجام می‌دهد و مزد و پاداش می‌گیرد. آیا دهانی شیرین‌تر از این هم هست؟“

کتاب پلء یوعص در ادامه می‌نویسد:

”برای افراد خدا-ترس شایسته است چندی یک بار تنها نشسته و در جزئیات متن اعتراف به گناهان تأمل نماید و ببیند از چه گناهی باید توبه نماید و چه رفتاری را باید اصلاح کند و از چه اعمالی باید دست بکشد و برای خود حفاظ درست نماید و مراقب باشد و نیز این موارد را برای خود نوشته و بر خود قبول کند که میصوهای خداوند را ننگه دارد و به هیچ عنوان آنها را زیر پا نگذارد. سپس متن اعتراف به گناهان را آن چنان که شایسته است ، بخواند و در نزد خداوند سخن بگویند و معذرت بخواند. بدین صورت ، حتماً این اعمال در نزد خداوند نتیجه خواهند داد و می‌تواند خداوند را راضی نماید که گناه او را ببخشاید. شخصی که می‌خواهد توبه نماید باید بدین صورت عمل کند.“

کتاب پلء یوعص در جمع‌بندی می‌نویسد:

”شخص یهودی که می‌خواهد در راه خوب قدم بردارد ، باید به این صورت انجام وظیفه نماید و بدین صورت موفق خواهد شد در دنیای آتی نیکی و براخا را نصیب خویش بنماید.“

حال این سخنان کتاب پلء یوعص همان مطلبی است که در ابتدا ذکر گشت که اگر فرد میصوهای خداوند را انجام می‌دهد ، پس در مسیر برکت است و اگر خدا-ای ناکرده میصوهای توره را ننگه نمی‌دارد ، پس خدا-ای ناکرده در نفرین قرار دارد.

خداوند به ما کمک کند تا به صورت شایسته توبه نموده و میصوهای خداوند را ننگه داریم تا هم در این دنیا و هم در دنیای آتی مژگی به نیکی و براخا گردیم.

شایسته عمل نکرده و چگونه باید به خاطر گناهان خویش طلب بخشش نماید.

هم چنان که گفته شد ، در آخرین ماه سال هستیم و شخص عاقل باید از خواب غفلت بیدار گردد و تأمل نماید در این سالی که گذشت ، چه اتفاقاتی برای ما رخ داده ، مخصوصاً اتفاقات ناگوار این ویروس خطرناک که در تمام دنیا پخش شد و در هر جا و مکانی باعث تغییراتی گشت. باید دانست این گناهان ما هستند که باعث این همه اتفاقات ناگوار شدند و حال اگر به صورت شایسته به گناهان خویش اعتراف و واقعاً از خداوند طلب بخشش نماییم ، این امید است که تفیلاهای ما قبول گشته و خداوند ما را ببخشاید.

برای درک بهتر این مورد تصور نماییم شخصی در نزد دوست خویش مهمان می‌شود و با اعمال ناپسند خود باعث ناراحتی صاحبخانه می‌شود ، مثلاً ظروف خانه را شکسته ، خانه را کثیف و با گفتار نادرست ، صاحبخانه را عصبانی نماید. وقتی این میهمان می‌بیند که صاحبخانه بسیار عصبانی است و می‌خواهد او را از خانه بیرون نماید ، اگر مهمان بخواند معذرت‌خواهی نماید ، مطمئناً با لحنی متواضع و تمنا با صاحبخانه صحبت می‌کند تا شاید بتواند او را راضی نماید و صاحبخانه به او اجازه دهد که در خانه بماند.

ولی اگر با بی‌حوصلگی و تند تند طلب بخشش نماید ، به صورتی که خود میهمان هم کلماتی که از دهان خارج می‌کند را نمی‌فهمد و نمی‌داند برای چه موردی طلب بخشش می‌کند ، شخص عاقل در این صورت می‌فهمد چنین طلب بخشش نه تنها کمکی نمی‌نماید ، بلکه باعث می‌شود صاحبخانه بیشتر از دست وی عصبانی گردد.

کتاب پلء یوعص در ادامه می‌نویسد:

”موردی که باعث دلداری می‌شود این است که خداوند ما را طوری قضاوت می‌نماید که انگار مجبور یا مست بودیم!“

حال باید از خود پرسیم تا چه زمان می‌خواهیم به مانند فردی مست رفتار کنیم و متن اعتراف به گناهان را با سرعت و بدون نیت بخوانیم؟

کتاب پلء یوعص در ادامه می‌نویسد:

قوانین زندگی

ربی باروخ فکری کرد و با این که می‌دانست این پول به او برنخواهد گشت با خوشرویی فرمود:

”باشد ، امروز ظهر به نزد من بیا و پول را بگیر.“

ربی زلمان تشکر نمود و گوشی را قطع کرد. ظهر ربی باروخ در دفتر خود منتظر ربی زلمان شد ولی هیچ خبری از ربی زلمان نشد. ربی باروخ تا عصر منتظر ماند و وقتی ربی زلمان نیامد ، با خود فکر کرد حتماً اتفاقی افتاده و ربی زلمان نتوانسته بیاید ، پس دفتر را ترک و به خانه رفت.

فردا صبح ، دوباره ربی زلمان به ربی باروخ زنگ زد و پس از سلام و احوالپرسی گفت:

”اگر می‌شود ۳۰۰ روبل به من بدهید تا بتوانم دخترم را به خانه بخت بفرستم و او را خوشبخت کنم.“

ربی باروخ گفت: ”بله ، دیروز ما با هم قرار گذاشتیم ولی شما نیامدید. من امروز ظهر در دفترم منتظر شما خواهم بود.“ ربی زلمان تشکر کرد و گوشی را قطع نمود.

دوباره از ظهر تا عصر ربی باروخ منتظر ربی زلمان نشست ولی ربی زلمان نیامد. دوباره فردا صبح ، ربی زلمان به ربی باروخ زنگ زد و گفت: ”حال شما چگونه ربی باروخ ، من ۳۰۰ روبل پول نیاز دارم و اگر می‌شود به من قرض دهید!“

ربی باروخ با خود فکر کرد شاید ربی زلمان مشکل روانی دارد و باید او را در تیمارستان بستری کرد...

حال شخص نیز صبح از خواب بیدار می‌شود و صیصیت و تفییلین می‌گذارد و در قسمت پراخ‌های شمع بیسرائل می‌گوید: ”خد-اوند ، همیشه ما را دوست داشتی و رحم زیادی نسبت به ما داری“ از اینجا معلوم است خواهش بسیار بزرگی است که ابتدا باید ذکر نمود تا چه حد خد-اوند ما را دوست دارد. سپس در ادامه می‌گوییم:

”به خاطر پدران ما که به تو اعتقاد داشتند.“ پس این درخواست آنقدر مهم است که انسان از امتیاز پدران مقدس نیز استفاده می‌کند. به این صورت شخص به خد-اوند می‌گوید: ”من پر رو نیستم ، می‌دانم خودم لایق نیستم ، ولی به خاطر پدران این

ربی شالوم شبدرن روحش شاد در یکی از درآشاهای خود فرمود: ”می‌خواهم برای شما مثالی از خافص خبییم تعریف کنم ، شاید این مثال را بیش از صد بار تعریف کرده‌ام ، ولی باز وقتی این مثال را تعریف می‌کنم احساس خاصی به من دست می‌دهد. شما هم این مثال را گوش کنید ، شاید تا به حال آن را شنیده‌اید و اگر آن را شنیده‌اید ، شنیدن دوباره آن پر از منفعت خواهد بود.

در یکی از شهرستانها ، شخصی زندگی می‌کرد به اسم ربی باروخ که در همه موارد شخص نیکویی بود ، عقل خوب ، قلب خوب ، ثروت خوب. همه از او مشورت می‌گرفتند و هر وقت هم نیاز به کمک ، چه مالی و چه غیر مالی داشتند ، به نزد او رفته و مطمئن بودند دست خالی برنخواهند گشت. در طرف دیگر شهرستان ، شخصی زندگی می‌کرد به اسم ربی زلمان که برعکس ربی باروخ در هیچ چیز موفق نبود.

یک روز ابری ، ربی زلمان به ربی باروخ تلفن زد (در زمان خافص خبییم تلفن نبود و ربی شالوم برای زیباتر کردن مثال ، از تلفن استفاده کرده است!) و فرمود: ”سلام ربی باروخ ، حال شما چگونه است؟ خانواده ، بچه‌ها خوب هستند؟“ ربی باروخ که صدای ربی زلمان را شناخت ، با خوشرویی پاسخ داد:

”سلام ربی زلمان ، خد-ا را شکر ، من خوبم ، شما چگونه؟“

ربی زلمان در جواب گفت: ”خد-ا را شکر من هم خوب هستم.“ و احوالپرسی را ادامه داد.

ربی باروخ متوجه شد ربی زلمان در حال احوالپرسی است و با خود گفت شاید او موردی نیاز دارد و رویش نمی‌شود بگوید. به همین جهت ربی باروخ پرسید: ”اگر موردی لازم دارید بدون خجالت و تعارف بفرمایید.“

ربی زلمان هم گفت: ”آری ، من باید دختر خود را به خانه بخت بفرستم و برای این کار ۳۰۰ روبل (چیزی حدود نیم میلیون دلار) پول لازم دارم. ولی وقتی به امید پروردگار وضعیتم خوب شد من این پول را برمی‌گردانم.“

پس باید این درخواست را بجا آورد و منتظر می‌نشیند تا این شخص مشغول آموزش توراها شود تا به او در آموزش توراها کمک کنند و این فرد به آرزوی خویش برسد. ولی همین که فرد تفیلا را به پایان می‌برد، تفیلین و صیصیت خود را جمع می‌کند و از کنیسا خارج می‌شود.

از جانب ا-لهی می‌گویند: "مگر تو این همه درخواست نکردی، پس کجا رفتی؟"

تا ظهر، تا عصر، تا شب منتظر می‌شوند، ولی این شخص اصلاً مشغول آموزش توراها نمی‌شود و آن روز را بدون آموزش توراها سپری می‌نماید و کمکی که از جانب ا-لهی برای وی آماده شد بود را دریافت نمی‌کند.

و دوباره فردا، همان درخواست و همان رفتار. آیا ما سالم هستیم یا ما نیز نیاز به تیمارستان داریم؟

ربی شالم در ادامه فرمود: "من این مثال خافص خیییم را بدین صورت فکاهی تعریف کردم و فردا صبح شخص به نزد من آمد و گفت: "دیروز قلب من را تکان دادی و امروز من نمی‌توانستم این براخا را آغاز کنم."

ربی شالوم فرمود: "پس چکار کردی؟ این براخا را نگفتی؟"

آن شخص در جواب گفت: "چرا، گفتم، ولی قبل از شروع تفیلا

، یک ساعت کامل توراها آموختم و سپس تفیلا را شروع کردم!"

برگرفته از سخنان ربی شالوم شبدرن / کتاب لهگید

درخواست را برآورده کن. درخواست من این است: قوانین زندگی را به ما یاد بده."

قوانین زندگی چیست؟

مثلاً شخص می‌خواهد از خیابان رد شود، ابتدا باید منتظر چراغ سبز باشد و وقتی مطمئن شد ماشینی رد نمی‌شود، آن وقت می‌تواند از خیابان عبور کند. ولی اگر به وسط خیابان بپرد، جان خویش را به خطر می‌اندازد. گناه نیز چراغ قرمز است و آدمی که گناه می‌کند، جان خود را به خطر می‌اندازد.

شخصی که توراها می‌آموزد، می‌داند قوانین زندگی چیست، ولی شخصی که توراها نمی‌آموزد، نمی‌داند قوانین زندگی چیست. ولی این درخواست با یادگیری قوانین زندگی تمام نمی‌شود.

این شخص می‌گوید: "قوانین زندگی را به ما یاد بده تا خواست تو را از صمیم قلب انجام دهیم. ای پدر رحیم، به ما رحم کن" اگر یکی از کنار این فرد رد شود و ببیند چگونه این فرد درخواست رحمت دارد، حتماً فکر می‌کند وی برای شخص بیماری تفیلا می‌خواند که وضعیت او بسیار ناگوار است. این فرد با این لحن به درخواست خویش ادامه می‌دهد: "به قلب ما بینش بده تا تمام سخنان توراوی تو را بفهمیم، درک کنیم، بشنویم، یاد بگیریم و یاد دهیم." آری، تمام سخنان توراها، بدون هیچ کمبودی.

حال در درگاه خداوند این درخواست را می‌شنود و می‌گوید: "اگر این مورد تا این حد برای او مهم است و چنین التماسی می‌کند،

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

* **یروشالیم:** گئولا، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳، آقای کهن فولادی ۹۳۷۸۲۸۱-۵۴

* **فولون:** فیابان ایلات ۱۶، فروشگاه نوיה פארם

* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۸۶۸۶۸۸۶-۵۲

* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)